

## The Concept of Transcendental Growth and Its Relationship with Other Human Transformational Dimensions

Mohammad Dehghani Shurki\*

### Abstract

"Growth" is one of the significant topics of behavioral sciences, which means human transformation and includes many dimensions such as physical, emotional, emotional, moral, social, etc. growth. The aim of the Holy Quran as the main source of religion is also growth. The main question of the present research is an answer to the concept of "transcendental growth" and its goal is to analyze the concept of transcendental growth as a transformational dimension proposed by this divine book and its relationship with other transformational aspects presented in behavioral sciences. Using the library method and qualitative analysis, this research provides a precise definition of this concept, and by analyzing the meaning of conformity and obligation of the verses of the Holy Quran, including commands and prohibitions, the characteristics of the developed and the underdeveloped, the introduced characters, the values as well as the available evidences in other religious sources, this research confirms the existence of the transformational dimension in human, which can go through four stages, and in addition to its specific characteristics, it has a close relationship with other transformational aspects of human.

**Keywords:** Growth, Perfection, Transcendental Growth, Developmental Psychology, Transformational Psychology, Transcendental Human, Perfect Human.

---

\* Master's student, Department of Psychology, Higher Education Institute of Ethics and Education, Qom, Iran, mdsh199296@gmail.com.

## مفهوم رشد متعالی و نسبت آن با سایر جنبه‌های تحولی انسان

محمد دهقانی شورکی\*

### چکیده

«رشد» از جمله مباحث مهم علوم رفتاری است که به معنای تحولات آدمی و شامل ابعاد فراوانی مانند رشد جسمی، هیجانی، عاطفی، اخلاقی، اجتماعی و... است. هدف قرآن کریم به عنوان اصلی‌ترین منبع و حیاتی دین نیز رشد می‌باشد. اصلی‌ترین سؤال پژوهش حاضر پاسخی برای مفهوم شناسی «رشد متعالی» بوده و هدف خود را واکاوی مفهومی رشد متعالی به عنوان بُعد تحولی طرح شده از سوی این کتاب آسمانی و نسبت آن با سایر جنبه‌های تحولی مطرح شده در علوم رفتاری قرار داده است. این پژوهش با بهره از روش کتابخانه‌ای و تحلیل کیفی، تعریف دقیقی از این مفهوم ارائه می‌کند و با بررسی دلالت مطابقی و التزامی آیات قرآن کریم شامل اوامر و نواهی، ویژگی‌های رشدیافتگان و رشدنیافتگان، شخصیت‌های معرفی شده، ارزش‌ها و نیز شواهد موجود در سایر منابع دینی، وجود این بُعد تحولی در انسان را تثبیت می‌کند که می‌تواند در چهار مرحله بپیماید و افزون بر ویژگی‌های اختصاصی خود، ارتباط وثیقی با سایر جنبه‌های تحولی انسان دارد.

واژگان کلیدی: رشد، کمال، رشد متعالی، روان‌شناسی رشد، روان‌شناسی تحولی، انسان متعالی و انسان کامل.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

شناخت قوانین حاکم بر تحول و مراحل آن، عوامل مؤثر بر این قوانین و به‌طورکلی تمایز رشد بهنجار از رشد نابهنجار در روان‌شناسی رشد یا تحولی صورت می‌گیرد؛ از این‌رو روان‌شناسی رشد، شاخه‌ای از روان‌شناسی است که به توصیف و تبیین تغییرات کمی و کیفی در همه ابعاد روان‌شناختی از انعقاد نطفه تا مرگ می‌پردازد و هدف آن، کشف قوانین حاکم بر تغییرات، ریشه‌ها و عوامل مؤثر بر تحولات روان‌شناختی انسان است تا در نتیجه بتواند از هدر رفتن استعداد های افراد جلوگیری کند و در زمینه‌های مشاوره و درمان، بهداشت روانی و آموزش به آنها یاری رساند (سالاری‌فر، ۱۳۸۹، ص ۳۷).

رشد انسان در ابعاد گوناگون روی می‌دهد که از نگاه روان‌شناسی معاصر بعد جسمانی از جمله ابعاد بدیهی آن است. در کنار رشد بدنی، شناخت و درک انسان، انگیزه‌ها عواطف، روابط اجتماعی، اخلاق، معنویت و دینداری او نیز دگرگون می‌شود. ابعاد رشد و تحول آدمی پدیده‌ای درهم‌تنیده و بر یکدیگر مؤثر است (جمعی از مؤلفان، ۱۳۷۰، ص ۳۴). پیش‌فرض‌های قوام‌بخش به ابعاد تحولی انسان، یعنی رشد جسمانی، اخلاقی، عاطفی، اجتماعی و... (مشترک در روان‌شناسی معاصر و اسلامی)، معمولاً مربوط به زندگی همین دنیا است، اما با توجه به آنکه انسان در رهیافت قرآنی؛ نخست، بی‌هدف خلف نشده است؛ دوم، هدف از خلقت او منحصر به حیات دنیایی نیست؛ سوم، آن هدف صرف بعد مادی ندارد و چهارم، مبانی مطرح شده اسلام در روان‌شناسی تأثیرگذار است؛ ناگزیر باید افزون بر ابعاد متعارف رشد، بعد دیگری نیز با این ویژگی‌ها مورد کاوش روان‌شناختی قرار گیرد که آن را بعد «رشد متعالی» می‌نامند (کاوایانی، ۱۳۹۹، ص ۱۲۶).

تأثیر ابعاد رشد فردی بر یکدیگر مسئله‌ای روشن است (اتکینسون و همکاران، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۳۴)؛ همچنین رشدیافتگی یا رشد نیافتگی دیگران در سایر جنبه‌ها می‌تواند بر ابعاد رشد افراد دیگر نیز مؤثر باشد (لورا برک، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۲۶). با توجه به این نکته کشف و تبیین ابعاد جدید تحولی در انسان مانند «رشد متعالی» اهمیت و ضرورت بسیاری دارد.

اگرچه سخن از رشد آدمی قدمت زیادی دارد و برخی افراد نشانه‌های آن را در آرا و اندیشه‌های فیلسوفان یونان پیش از میلاد جستجو می‌کنند (ر. ک: خزاعی و رامادان، ۱۳۹۲، ص ۹۹-۱۱۸)، در منابع دینی نیز از این واژه به‌دفعات فراوان یاد شده است و مطالعاتی در بعد واژه‌شناسی، مفهوم‌شناسی و... آن به چشم می‌خورد. معاجم لغت به بعد اول پرداخته و صفایی حائری در دو کتاب رشد (۱۳۸۰) و مسئولیت و سازندگی (۱۳۹۵) مفهوم رشد در قرآن را بررسی کرده است؛

همچنین حسینی رامندی (۱۴۰۰) به بررسی رشد با تأکید بر رشد عاطفی می‌پردازد و صفوری و هوشیاری (۱۳۹۹) روش میدان معنایی در معناشناسی قرآنی را بر واژه «رشد» تطبیق داده‌اند، وجدانی و ایمانی (۱۳۹۱) تلاش‌هایی را برای شناخت کامل‌تر و عمیق‌تر از معنای رشد انجام داده‌اند، ولی در جستجوهای صورت‌گرفته مطالب زیادی با عنوان «رشد متعالی» و به‌طور کلی مفهوم‌شناسی جامع و ناظر به تمام ابعاد وجود انسان از واژه «رشد» یافت نمی‌شود؛ بلکه تنها کاویانی (۱۳۹۹) در کتاب روان‌شناسی در قرآن، بخشی را به رشد متعالی اختصاص داده و قاضی (۱۳۹۵) کتاب نظریه رشد متعالی در مشاوره و روان‌درمانی را تألیف کرده است که به اذعان هر دو این موضوع نیازمند بسط و تبیین بیشتری است.

از آنجا که ضرورت و اهمیت بیان شده با فقدان پیشینه قابل توجه، تأکید و تثبیت شده است، تبیین «رشد متعالی» به عنوان یکی از ابعاد تحولی انسان بسیار اهمیت دارد. ترسیم تمام ابعاد این مفهوم مستلزم پیمودن گام‌هایی است، از آن جمله: ۱. مفهوم رشد متعالی؛ ۲. ویژگی‌های رشد متعالی؛ ۳. نسبت رشد متعالی با سایر جنبه‌های تحولی انسان؛ ۴. مؤلفه‌های رشد متعالی؛ ۵. عوامل ایجاد رشد متعالی و ۶. علائم و نشانه‌های رشد متعالی و ساخت آزمون رشد متعالی. پژوهش حاضر می‌کوشد با بهره‌گیری از شیوه کتابخانه‌ای و تحلیلی سه گام نخست را بپیماید.

### مفهوم «رشد متعالی»

«فرایندی ارادی و هدفمند که در آن همه ابعاد وجودی انسان به صورت هماهنگ و متناسب در جهت کمال درحال حرکت‌اند»، تنها تعریفی است که از «رشد متعالی» به چشم می‌خورد (کاویانی، ۱۳۹۹، ص ۱۲۷). به نظر می‌رسد این تعریف با وجود نقاط قوت، امکان تکمیل نیز دارد؛ زیرا از یک‌سو می‌توان برخی از قیود را به تعریف افزود و از سوی دیگر برخی از قیود موجود را نیز کنار نهاد؛ پس بنابر آنچه بعداً تبیین می‌گردد، بهتر است «رشد متعالی» بدین‌گونه تعریف شود: «فرایندی پایدار، بسیط، تحولی و دوسویه، کیفی و بی‌نهایت، ارادی و هدفمند می‌باشد که مطابق آن بعد روحانی انسان در جهت کمال یا نقص در حرکت است».

«فرایند»<sup>۱</sup> در روان‌شناسی معانی گوناگونی دارد، اما همه آنها با ریشه لاتین به معنای «پیش رفتن» هماهنگی دارند و پیشرفت گام به گام به سوی هدفی را می‌رسانند. به‌طور خلاصه فرایند، یعنی تغییر مرحله به مرحله به سمت یک هدف معین (پورافکاری، ۱۳۸۷) که اصطلاح حاضر نیز به همین معناست و درصدد نفی ایجاد و زوال گتره‌ای، آنی و یک‌باره‌ای رشد متعالی است. قرآن

کریم این فرایند را با فعل مضارع بیان می‌فرماید: «... فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» (بقره، ۱۸۶) و در آیه‌ای دیگر مسیر رشدنا یافتگی و گمراهی را گام به گام ترسیم می‌کند.<sup>۱</sup>

«پایداری» فرایند یادشده به معنای مقطع‌ناپذیری رشد متعالی است؛ بدین معنا که این جنبه تحولی انسان، محدود و منحصر به مقاطع خاصی نیست بلکه این فرایند در تمام طول زندگی انسان ساری و جاری است. برخلاف برخی دیگر از ابعاد رشد، به عبارت دیگر رشد متعالی یک مسیر می‌باشد و راهی برای پیمودن است نه مقصدی برای رسیدن؛ همان‌گونه که خداوند در قرآن می‌فرماید: «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (حمد، ۵).

با توجه به اینکه این رشد مرتبط با نفس و روح انسانی است و نفس و روح انسانی بسیط می‌باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۸۰)، این بعد تحولی نیز بسیط خواهد بود. «بسیط» بودن رشد متعالی به این معنا است که میزان رشد به صورت برابندی، گشتالتی و مجموعی ارزیابی می‌شود. در منابع اسلامی ارزیابی رشد افراد به این نحو مشهود است (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، ص ۲۸۶).

رشد متعالی مانند سایر انواع رشد، جنبه تحولی دارد؛ یعنی هم می‌تواند جنبه «مثبت» و «منفی» داشته باشد، پس در تعریف آن از قید «دوسویه و تحولی» و «کمال و نقص» استفاده شده است. به بیان دیگر حرکت انسان در مسیر رشد متعالی دو جهت دارد: افرادی هستند که جهت مثبت و کمال‌خواهی را پی می‌گیرند و از مسیر گمراهی اجتناب می‌کنند و افرادی هم هستند که نه تنها در این جهت حرکت نمی‌کنند، بلکه سرمایه‌های اولیه‌ای را نیز که خداوند به آنها داده، از بین می‌برند.<sup>۲</sup> تبدیل سیئات به حسنات پس از توبه<sup>۳</sup> نیز نشان از سعه وجودی هنگام حرکت به سمت بدی‌ها دارد و بیانگر وجود چنین بعد تحولی در انسان است؛ زیرا تبدیل سیئه به حسنه چگونه متصور است، جز آنکه هر دو نوعی تحول به شمار آید؟

پاره‌ای از روایات قطعی الصدور و برخی از ادله عقلی، رشد بی‌نهایت انسان را برنمی‌تابند. روایات یادشده رشد آدمی را براساس طینت‌های مختلف محدودیت می‌بخشند و ادله دیگر، آن را محصور به ظرفیت‌های مختلف هر فرد و همچنین دوران حیات آدمی می‌دانند (ر. ک: اسعدی، ۱۳۹۲، ص ۹۴). با توجه به قرائت‌های صحیح از روایات و قدرمتیقن از ادله عقلی امکان رشد آدمی در زمان حیات او به نحو بی‌نهایت مقدور است، پس در تعریف از عبارت «کیفی و

۱... لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ (بقره، ۱۶۸).

۲. وَ لَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (اعراف، ۱۷۹).

۳. إِلَّا مَن تَابَ وَ ءَامَنَ وَ عَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ... (فرقان، ۷۰).

بی‌نهایت» استفاده می‌شود؛ برای نمونه از نگاه علامه طباطبایی سعادت و شقاوت انسان ارتباط مستقیمی با طینت او دارد، ولی نه به صورت علیت تامه و کامل (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۸، ص ۹۸-۹۹).

از سویی هدف غائی رشد متعالی کمال است که تعبیری همچون رستگاری، حیات طیبه، قرب الهی و عبودیت بدان اشاره دارند و در راستای رسیدن به این هدف، اهداف واسطه‌ای و جزئی مطرح می‌شوند و از سوی دیگر، این رشد یک حرکت اختیاری است، جنبه جبری ندارد و مانند برخی از ابعاد تحولی نیست که بدون اختیار انسان رخ دهد (کاوپانی، ۱۳۹۹، ص ۱۲۹)؛ بنابراین در هر دو تعریف از واژه‌های «هدفمند و اختیاری» به کار رفته است.

اگرچه رشد متعالی آثار مختلفی دارد، مثلاً می‌تواند بر روی روان یا جسم آدمی مؤثر باشد؛<sup>۱</sup> ولی همان‌گونه که بیان شد، مرتبط با نفس انسان و آثار هر چیز از ماهیت آن جداست و این آثار را نباید در تعریف ماهوی آن دخالت داد، پس رشد متعالی، فرایند تکاملی نفس و روح انسان است، گرچه مؤثر بر سایر جنبه‌های او نیز باشد؛ به همین جهت در تعریف از عبارت «بعد روحانی» استفاده شده است.

برخی بر این باورند که رشد متعالی بعدی از ابعاد دینداری است (کاوپانی، ۱۳۹۹، ص ۱۳۲)، اما باید گفت دینداری بعدی از ابعاد این رشد است؛ زیرا مسیری که قرآن کریم برای رشد معرفی می‌فرماید، لزوماً برای پیروان این کتاب آسمانی نیست بلکه آن مسیر رشد انسان بماهو انسان است. آری، خداوند متعال افزون بر ترسیم این قالب مرحله‌ای، محتوای خام هر مرحله شامل مجموعه‌ای از شناخت‌ها، رفتارهای فردی و بین فردی و قواعد نظام جمعی را ذیل عنوان جامع «دین» (ر. ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۱۲) بیان کرده است، اما بدین معنا نیست که آنها هیچ بهره‌ای از رشد نبرده‌اند و به همین دلیل قرآن کریم به مؤمنان سایر ادیان نیز وعده سعادت می‌دهد؛<sup>۲</sup> برای نمونه ضرورت رعایت اخلاق و رشد اخلاقی امری پذیرفته شده است که البته بخشی از رشد متعالی را نیز به خود اختصاص می‌دهد، اما رشد اخلاقی در سطوح و مدارج مختلفی قابل ترسیم می‌باشد، مدارج پایه‌ای آن، یافته مکاتب انسانی و نگاه‌های غیرالهی به اخلاق است؛ مثلاً ولتر<sup>۳</sup> از اخلاق طبیعی دفاع می‌کند درحالی که اعتقاد به مابعد الطبیعه ندارد و به علت فواید ارزش‌های اخلاقی معتقد است باید به خدا اعتقاد داشت (ابوالقاسمی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۶). به

۱. قرآن کریم کسانی را که مراحل رشدیافتگی را پیموده‌اند، به نداشتن حزن و خوف توصیف می‌کند (یونس، ۶۲).  
 ۲. إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصْرَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (بقره، ۶۲).

3. wolter

روشنی می‌توان دریافت که این یک سطح از اخلاق است که اندیشه و شناخت‌های بشری به آن دست یافته‌اند و اگر صاحبش مطابق آن بروزات رفتاری، هیجانی، عاطفی داشته باشد، سطحی از رشد را به یقین برای خود ایجاد می‌کند، اما منابع دینی سطوح بالاتری برای اخلاق ترسیم کرده‌اند و این امر دقیقاً همان چیزی است که پیش‌تر از آن به عنوان ارائه مواد خام رشد توسط دین سخن گفته شد. علامه طباطبایی سه دیدگاه اخلاقی (یونانی، دینی و قرآن) را مطرح می‌کند که به ترتیب مدارج مختلف بعد اخلاقی رشد متعالی را نشان می‌دهند (ر. ک: کاویانی، ۱۳۹۹، ص ۱۲۵).

### مراحل و مدارج «رشد متعالی»

اسلام سبک زندگی اسلامی و پیرو آن رشد را به صورت همه یا هیچ نمی‌داند، بلکه به صورت یک پیوستار دانسته که مراتب پایین، متوسط و بالا دارد (کاویانی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۲). واژه‌های «تفضیل» (نساء، ۹۵)، «اولویت» (انفال، ۷۲)، «مقریبت» (واقعیه، ۱۰) و... در قرآن کریم گواه همین معنا است. افزون بر این، یافته‌های عقلی نیز چنین مسئله‌ای را تأیید می‌کنند، به عقیده ملاصدرا نفس آدمی مراتبی دارد که با پشت سر نهادن آنها انسان‌ها به کمال خود می‌رسند (کرمی، ۱۳۸۲، ص ۲۵). از نگاه او، همان‌گونه که قرآن بطون و مراتبی دارد، انسان کامل نیز دارای مراتب مختلفی است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۶۹). روایات معتبر شیعی نیز برای هر انسان (مجلسی، ج ۳، ص ۱۷۸) و حتی انسان‌های کامل (محسنی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۴۶۳) مراتب مختلفی تعیین می‌کنند که مراحل و مراتب رشدیافتگی انسان را تأیید می‌کند. تحلیل محتوای آیات کریمه قرآن این مراحل و مراتب را بدین‌گونه نشان می‌دهند:

#### مرحله نخست: شناخت درست

قرآن کریم افرادی را که شناخت درستی ندارند، مذمت می‌کند<sup>۱</sup> و کسانی را که به سوی فهم درست گام برمی‌دارند، در موارد فراوانی تحسین می‌فرماید<sup>۲</sup> و با ایجاد شبکه‌ای از معانی، مسیر رسیدن به شناخت درست به عنوان نخستین مرحله (ر. ک: حرانی، ۱۳۶۳، ص ۲۰۴) از مراحل رشد را ترسیم می‌کند. این شبکه معنایی دستیابی به این مرحله را در گرو تزکیه یا آزادی اندیشه،<sup>۳</sup> تعلّم

۱. قَالُوا وَجَدْنَا آيَاتِنَا لَهَا عَابِدِينَ (انبیاء، ۵۳).

۲. قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (مانده، ۱۰۰).

۳. أَمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُبَيَّنَّ أَنْ لَا يَهْدَى إِلَّا أَنْ يَهْدَى فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ (يونس، ۳۵).

صحیح<sup>۱</sup>، تذکر<sup>۲</sup>، تدبر<sup>۳</sup>، تفکر<sup>۴</sup> و تعقل<sup>۵</sup> می‌داند. مؤلفه نخست این شبکه معنایی به آن معنا است که انسان زمانی می‌تواند به این مهم دست یابد که پیش از هر چیزی خودش را از هر گونه کشش نسبت به هر عقیده و مکتبی آزاد سازد (صفائی حائری، ۱۳۹۵، ص ۷۳). دومین مؤلفه در شبکه یادشده، یعنی معرفی مسیرهای درست دستیابی به شناخت (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۹) نشان از اهتمام به این مرحله از رشد دارد و به این نکته تأکید می‌کند که رشديافتگی از آغازین مراحل خود، نیاز به راهنما دارد. از دیگر مؤلفه‌های این شبکه معنایی «تذکر» و به تعبیر قرآن کریم از اموری است که باید انسان سالک مجاهد در نخستین مرحله رشد متعالی داشته باشد (ر. ک: خمینی، ۱۳۹۰، ص ۱۰)، تذکر به معنای یادآوری و نگاهداری علوم، دانش‌ها و شناخت‌ها در درون روح است (امامی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۵). سه مفهوم پایانی<sup>۶</sup> در بافت یادشده در عین شباهت و قرابت، معانی متفاوتی دارند (ر. ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ص ۳۰۷) که غالباً در منابع اسلامی از آنها به عنوان نشانه‌های این مرحله یاد می‌شود.

#### مرحله دوم: شخصیت‌سازی درست برای خود

قرآن کریم پس از مرحله نخست، مرحله دوم رشد را ابراز این شناخت در قالب رفتارها، هیجانان، عواطف و... معرفی می‌کند که به مجموعه آنها در هر فرد «شخصیت» می‌گویند. در برخی از منابع برای شخصیت بیش از پنجاه تعریف آورده‌اند (ر. ک: مایلی، ۱۳۶۹، ص ۱)، اما شخصیت اصطلاحی روان‌شناسی می‌باشد و از واژه پرسونا<sup>۷</sup> گرفته شده است که در روان‌شناسی شامل همه ویژگی‌های جسمانی، رفتاری، اجتماعی و عاطفی فرد می‌شود (ر. ک: شولتز و شولتز، ۱۳۹۰، ص ۱۲). در تعریفی عام می‌توان شخصیت را کلیتی روان‌شناختی بیان کرد که انسانی خاص را

۱. فَسْتَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (نحل، ۴۳).

۲. وَ ذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ (ذاریات، ۵۵).

۳. أَقْلَمُ يَذَّبُرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ (مؤمنون، ۶۷).

۴. .... كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ (بقره، ۲۱۹).

۵. كَذَلِكَ يُخَيِّ اللَّهُ الْمُؤْتَىٰ وَيُؤَيِّكُمْ ءَايَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (بقره، ۷۳).

۶. برای نمونه بین تدبر و تفکر تفاوت وجود دارد: برخی در بیان این تفاوت چنین نگاه داشته‌اند: «تدبر» در اصل از ماده «دبر» به معنای پشت سر و عاقبت چیزی است. پس تدبر به معنای بررسی نتایج و عواقب و کار می‌باشد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۲۶۸). تفاوت آن با «تفکر» این است که تفکر مربوط به بررسی علل و خصوصیات یک موجود است، اما «تدبر» مربوط به بررسی عواقب و نتایج آن است (ر. ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۸) و تفاوت بین تدبر و تفکر را این گونه بیان کرده‌اند: تدبر مواد خام را در درون ما انباشت می‌کند. تفکر این مواد را مرتب و هضم می‌کند و شیرهایش را می‌مکد و فضولاتش را از حافظه بیرون می‌ریزد. اگر این دستگاه هاضمه به کار نیفتد، آن مواد خام جز سنگینی روحی و امتلاهی ذهنی نتیجه‌ای ندارد، بلکه زیان هم خواهد زد. با تفکر، انسان به شناخت از خود، هستی، دنیا و الله و شناخت هر آنچه دست می‌یابد که در مسیر رشد او نیاز است (ر. ک: صفائی حائری، ۱۳۹۵، ص ۱۱۶).

7. persona



مشخص می‌کند (سالاری فر، ۱۳۸۹، ص ۱۵۶). قرآن کریم از یک سو تناسب نداشتن مؤلفه‌های یاد شده با شناخت‌های هر فرد را نشانه رشد نایافتگی می‌داند<sup>۱</sup> و از سوی دیگر پیش شرط آن را عدم تعارض در این شناخت‌ها و یکپارچگی بین آنها می‌داند تا آنجا که منشأ انحراف برخی را همین عدم برقراری یکپارچگی در بین شناخت‌ها معرفی می‌کند.<sup>۲</sup>

کلیدواژه‌هایی مانند ایجاد وحدت در خود (شفیع آبادی، ۱۳۶۵، ص ۱۹۲-۱۹۳)، رفع تضادهای درونی (یونگ، ۱۳۸۰، ص ۱۴۱-۱۴۲)، پیوستگی جنبه‌های متضاد شخصیت (مازلو، ۱۳۷۱، ص ۵۸) و نظایر آن در روان‌شناسی معاصر به عنوان بنیادی‌ترین عوامل رشد (ر. ک: حسینی رامندی، ۱۴۰۰، ص ۸۷)، با این مرحله از رشد متعالی همسویی دارد، اما شاید بتوان نزدیک‌ترین مفهوم روان‌شناسی معاصر به این مرحله از رشد را «عدم ناهماهنگی شناختی» دانست. به بیان لئون فستینگر، روان‌شناس اجتماعی، ناهماهنگی شناختی به معنای «احساس اندوه و ناراحتی حاصل از تعارض میان دو شناخت متفاوت یا یک شناخت و یک رفتار متفاوت» است (ر. ک: ارونسون، ۱۳۹۸، ص ۵۳). هر اندازه شناخت‌های مورد نظر مهم و تفاوت آنها از یکدیگر بیشتر باشد، ناهماهنگی هم بزرگ‌تر خواهد بود (ر. ک: کریمی، ۱۳۸۸، ص ۲۶۱). اگرچه از نگاه قرآن و روان‌شناسی معاصر نیز ناهماهنگی شناختی، پدیده‌ای نامطلوب دانسته شده، و افراد از تحمل آن رنج می‌برند؛ اما در روان‌شناسی معاصر از بین بردن این حالت، حتی با دست برداشتن از شناخت‌های درست منعی ندارد و آسیبی دانسته نمی‌شود؛ برخلاف نگاه قرآنی که این کار درست نیست و نشان از رشد نایافتگی افراد است. اگر بنابر اصلاح یا تغییر باشد، این نمودها و تجلیات شناختی هستند که باید تغییر کنند نه آن شناخت‌های درست. پس قرآن کریم درباره کسانی که کلام خداوند را می‌دانند، اما دست به تحریف آن می‌زنند، زبان به سرزنش می‌گشاید.<sup>۳</sup> این رفتار از نگاه قرآن مخصوص افرادی است که به رشد متعالی قابل قبولی نرسیده‌اند چون از مجموع آیات می‌توان دریافت که لسان توبیخ است (کاوایانی ۱۳۸۹، ص ۱۳۸).

انتساب «فقدان برخی از رفتارها، هیجانات، عواطف و...» به «فقدان شناخت درست»<sup>۴</sup>

۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَعْلَمُونَ (صف، ۲).

۲. وَ تَقُولُونَ نَحْنُ الْمُسْلِمُونَ وَ نَكْفُرُ بِبَعْضِ مَا نُبَيِّنُ لَكُمْ سُبُلًا (نساء، ۱۵۰).

۳. وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَا بِبَعْضِهِمْ إِلَى بَعْضٍ قَالُوا أَتَعَدُّونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (بقره، ۷۶).

۴. وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوءًا وَ لَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ (مانده، ۵۸): أَتَيْتُمَا تَكُونُوا يُدْرِكَكُمُ الْمَوْتُ وَ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّسْتَدِيرَةٍ وَ إِن تَصِبْتُمْ حَسَنَةً يَقُولُوا هَٰذَا مِن عِنْدِ اللَّهِ وَ إِن تَصِبْتُمْ سَيِّئَةً يَقُولُوا هَٰذَا مِن عِنْدِكَ قُلْ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ فَمَالِ هَٰؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا (نساء، ۷۸)؛ وَ إِذَا مَا أَنْزَلْنَا سُورَةً نَّظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ هَلْ يَرِيكُمْ مِّنْ أَحَدٍ ثُمَّ انصَرَفُوا صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ (توبه، ۱۲۷).

همچنین عدم توییح برخی از رفتارهای رشدنا یافتگان به دلیل نبود شناخت درست آنها<sup>۱</sup> از سوی قرآن کریم، نشان از آن دارد که این کتاب مقدس مرحله شخصیت‌سازی را همان‌گونه که بیان شد، پس از مرحله نخست آورده است.

### مرحله سوم: هویت‌سازی فردی و ایجاد نسبت‌های بین فردی درست

برون‌رفت از تشخصات فردی و ترسیم نسبت‌های بین خود و غیر خود (شامل افراد، جامعه، اشیاء، ارزش‌ها و...) اساساً «هویت» نام دارد (ر. ک: نیکنام، ۱۳۹۸، ص ۲۰-۳۹). قرآن کریم کسانی که به شناخت‌های درستی دست یافته‌اند و مطابق آن جلوه‌هایی را در شخصیت آنها پیدا شده است، یکسان ارزیابی نمی‌کند. این منبع و حیانی افرادی را که از یک‌سو نسبت‌های درست اجتماعی بین خود و دیگری تعریف کرده‌اند و از سوی دیگر به لوازم آن پایبند بوده‌اند، در مرحله بالاتری از رشد توصیف می‌نماید. این مرحله از رشد متعالی همان شکل‌گیری «هویت فردی»<sup>۲</sup> سالم در افراد است؛ برای نمونه خدای متعال کسانی را که نسبت صحیح خود با سایر مسلمانان را به خوبی ترسیم کرده و به لوازم آن نیز پایبند بوده‌اند، برتر از مؤمنانی توصیف می‌کند که این چنین نیستند.<sup>۳</sup> تحسین افراد به واسطه ایجاد هویت‌های سالم،<sup>۴</sup> توییح کسانی است که از این مرحله بازمانده‌اند؛<sup>۵</sup> به همراه اوامر و نواهی فراوان دال بر کیفیت برقراری نسبت‌های درست بین فردی،<sup>۶</sup> ابعاد مختلف این مرحله از رشد متعالی را به خوبی در قرآن کریم نمایان می‌سازد.

قرار گرفتن این مرحله در رتبه سوم و پس از مراحل پیش به این دلیل است که از یک‌سو، یکی از ویژگی‌های رشد متعالی همراهی آن با سختی، مشقت و نیازمندی آن به صبر و استقامت است؛ پس هرچه مراحل رشد متعالی بالاتر باشد، میزان سختی آن نیز بیشتر خواهد بود (ر. ک: کاویانی، ۱۳۹۹، ص ۱۲۸ و ۱۲۹) و از سوی دیگر در قرآن کریم تمام مواردی که به صبر و استقامت امر شده است، مربوط به جایی می‌باشد که مؤمنان باید نسبتی بین خود و غیرخود ترسیم کنند (ر. ک:

۱. وَ إِنْ أَحَدٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ (توبه، ۶).

2. personal identity

۳. لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرَ أُولِي الضَّرَرِ وَ الْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَ كَلَّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا (نساء، ۹۵).

۴. وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ وَ أَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (توبه، ۱۰۰).

۵. ... أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَ مَنْ يَلْعَنُ اللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا (نساء، ۵۲).

۶. وَ قَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍ وَ لَا تَهْزُمَاهُمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا (اسراء، ۲۳).

عبدالباقی، ۱۳۶۸، ص ۳۹۹)، این امر خود نشان از سختی بیشتر این مرحله نسبت به مراحل پیشین دارد و در نتیجه باید در رتبه بعدی نسبت به آنها قرار گیرد.

#### مرحله چهارم: قرارگیری در مدار نظام جمعی

در این مرحله افراد باید به یک جمع، مجموعه، جامعه و نظام اجتماعی تبدیل شوند که نمودی از تکثر شناخت‌ها، شخصیت‌ها و هویت‌ها نداشته باشند و در حقیقت یک «من جمعی» یا «هویت جمعی»<sup>۱</sup> را شکل دهند. چستی و ماهیت این نظام اجتماعی بین صاحب‌نظران مورد اتفاق نیست. علامه طباطبایی (۱۳۹۴، ج ۴، ص ۹۶، ۹۸ و ۱۰۸)، شهید مطهری (۱۳۷۴، ص ۲۴-۲۵) و آیت‌الله جوادی آملی (۱۳۸۸، ص ۳۱۳) جامعه را دارای وجودی حقیقی می‌دانند؛ همچنین با توجه به مبانی و اظهارات محمدباقر صدر (ر. ک: نصری، ۱۳۹۴، ص ۵۹) می‌توان او را از قائلین وجود منحاز حقیقی برای جامعه دانست (ر. ک: کوشا، ۱۳۹۵، ص ۶۵)، اما آیت‌الله مصباح یزدی با چنین ادعایی موافق نیست (۱۳۷۴، ص ۴۲، ۷۴ و ۷۵). این نظام جمعی ارتباطی با تعداد افراد ندارد و حتی اگر زمین تنها دو انسان داشته باشد، امکان دستیابی به این مرحله از رشد برای آنها نیز وجود دارد (نعمانی، ۱۳۷۶، ص ۱۹۶). قرارگیری در مدار این نظام جمعی با ایجاد بستر حکومت تلازم دارد. اسلام مسلمانان را به تشکیل حکومت و تأسیس دولت فرا خوانده است (ر. ک: واعظی، ۱۳۸۶، ص ۲۲)؛ به بیانی، حکومت عنوان دیگری برای مرحله چهارم رشد انسان‌ها می‌باشد و بالاترین هدف از خلقت انسان دستیابی به این مرحله از رشد و مصداق اتم خلیفه‌الله شدن بر روی زمین است (خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۶۳۳). این نظام جمعی از دو رکن «امام» و «امت» تشکیل می‌شود که کامل‌ترین فرد در جامعه در رکن نخست و دیگران در کسوت امت قرار می‌گیرند. پس یکی از آیاتی که به خوبی شکل‌دهی این نظام اجتماعی را به خوبی بیان کرده، آیه «فَأَسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمِن تَابٍ مَّعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (هود، ۱۱۲) است. این آیه به رسول خود می‌فرماید: دوران صبر و رشد فردی تمام شده است؛ اکنون باید یک من جمعی که اهل صبر هستند با محوریت پیامبر شکل گیرد، پیامبر باید یک نظام اجتماعی را شکل دهد که دو رکن اساسی دارد؛ یک محور اساسی آن خود وی به عنوان «امام» است و رکن دیگر آن «امت» او هستند، همه این افراد باید در گرد پیامبر جمع شوند و اجتماعی صبور و مطیع و فرمانبردار (غیرطغیانگر) در برابر خداوند بسازند (ر. ک: امین اصفهانی، ۱۳۶۱، ج ۶، ص ۳۲۱).

1. Collective identity

پس از صدور این دستور از جانب خداوند و تبیین بالاترین مرحله از رشدیافتگی، پیامبری که خود در اوج رشدیافتگی و تعالی است؛ ابراز سختی می‌کند، «شبیبتی» سوره هود (حر آملی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۱۷۰)، سختی و دشواری این مرحله نسبت به سایر مراحل به آن معناست که باید به عنوان آخرین مرحله از مراحل رشد قرار گیرد.<sup>۱</sup>

مراحل و حتی مدارج هر مرحله باید به ترتیب پیموده شود؛ پس در قرآن کریم همیشه پیش از توصیه به رفتار درست، کسب شناخت درست را مطالبه می‌کند و حتی فقه اسلامی التزام عملی به فروعات دینی را بدون کسب شناخت درست، قابل پذیرش نمی‌داند (ر. ک: خوبی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۱۱)؛ تا آنجا که مطابق با منابع دینی، چنانچه شناخت کافی حاصل شود اما برخی از رفتارهای فرد بدون لحاظ و توجه به آن شناخت باشد، این رفتار موجب دوری از خدای متعال و رشدناپافتگی خواهد شد (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۹۸).

### نسبت «رشد متعالی» با سایر جنبه‌های تحولی انسان

پیش‌تر بیان شد که رشد و تحول آدمی، پدیده‌ای درهم تنیده با جنبه‌های مختلف است؛ ابعادی که هر یک بر دیگری نیز تأثیر می‌گذارند. در این بخش رشد متعالی انسان با سایر جنبه‌های تحولی او بررسی می‌شود. برای این مهم، نخست نسبت رشد متعالی با اصول حاکم بر تمامی ابعاد تحولی انسان (اصطلاح اصول رشد در روان‌شناسی معاصر) را بیان کرده، سپس نسبت این جنبه تحولی با سایر ابعاد رشد بیان خواهد شد؛ همچنین در پایان نسبت عوامل رشد متعالی با عوامل سایر جنبه‌های تحولی انسان بررسی خواهد شد.

#### ۱. نسبت رشد متعالی با اصول رشد

رشد با همه تنوع و تفاوت‌های آن مبتنی بر اصول و چارچوب‌هایی است که اساساً به آن «اصول رشد» می‌گویند؛ این اصول عبارت‌اند از: مرحله‌ای بودن رشد، دوره‌های حساس رشد، پیروی از الگوهای معین و قابل پیش‌بینی، تأثیر تفاوت‌های فردی بر کمیّت و کیفیت رشد، ارتباط سرعت و مدت رشد با پیچیدگی موجود زنده، تأثیر تفاوت‌های جنسیتی بر رشد و همبستگی ابعاد رشد (ر. ک: مصباح و همکاران، ۱۳۷۲، ص ۱۰۶-۱۲۳).

۱. با توجه به اینکه ظرفیت، استعداد، محیط، وراثت و... افراد بر کیفیت در هر مرحله تأثیرگذار است؛ هرچه کیفیت مراحل پیشین بیشتر باشد، کیفیت مراحل بعد نیز بهتر خواهد بود؛ به این معنا که در هر مرحله از مراحل یادشده به عدد انسان‌ها درجه رشد وجود دارد و این مسئله با بساطت رشد متعالی منافات ندارد که در تعریف آن ذکر شده است، اساساً همین نگاه موجب می‌شود که در منابع اسلامی مؤمنان در ابعاد فردی (بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۴۳۲) و اجتماعی (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۵، ص ۵۶۹) تقسیم و درجه‌بندی شوند.

تعدادی از این اصول بر رشد متعالی نیز حاکم هستند، مانند اصل «همبستگی ابعاد رشد» که به معنای تأثیر ابعاد مختلف رشد انسان بر یکدیگر است (سالاری فر، ۱۳۸۹، ص ۳۹) و به همین سبب این بخش از پژوهش شکل گرفته است. مرحله‌ای بودن رشد، دوره‌های حساس رشد، پیروی از الگوهای معین و قابل پیش‌بینی، تأثیر تفاوت‌های فردی بر کمیّت و کیفیت رشد نیز از جمله اصولی می‌باشد که بر رشد متعالی حاکم هستند؛ اگرچه با یکدیگر تفاوت‌هایی نیز دارند، مثلاً مراحل در رشد زیستی و اجتماعی براساس سن افراد تنظیم شده، اما این تنظیم در رشد متعالی و حتی رشد اخلاقی از نگاه کلبرگ بنابر سطوح افراد شکل گرفته است.

برخی از این اصول نیز مطلقاً در رشد متعالی راه ندارند، تأثیر تفاوت‌های جنسیتی بر سرعت و کیفیت رشد به عنوان یک اصل حاکم بر انواع رشد، به‌ویژه ابعادی که جنبه فیزیولوژی پررنگ‌تری دارند، پذیرفته شده است؛ ولی قرآن کریم با وجود پذیرش اختلافاتی در مراحل رشد این دو جنس (مثلاً تفاوت در عوامل یا نمودهای رشد)، تأثیر جنسیت را بر کیفیت، کمیّت و سرعت رشد متعالی نفی می‌کند<sup>۱</sup> و اما آنچه در برخی از منابع دینی دال بر تفاوت عقل دو جنسیت و تفاوت تکالیف و پیرو آن تفاوت میزان رشد آن دو بیان شده است، بر فرض آنکه از تمامی اشکالات سندی و دلالتی متعارف به آنها نیز چشم‌پوشی شود، نمی‌تواند به ادعای یادشده خللی وارد کند؛ زیرا نخست آنکه رشد متعالی از اوصاف نفس است و نفس آدمی جنسیت ندارد، بلکه جنسیت هویتی مادی می‌باشد که از عوارض عالم ماده به شمار می‌رود (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۸۰)؛ دوم آنکه اصطلاحات ذکر شده در آن منابع با مؤلفه‌های موجود در رشد متعالی صرفاً در لفظ اشتراک دارند؛ برای نمونه امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «وَأَمَّا نَقْصَانُ عُقُولِهِنَّ فَشَهَادَةُ أُمَّرَاتَيْنِ كَشَهَادَةِ الرَّجُلِ الْوَاحِدِ.» (نهج البلاغه، خطبه ۸۰)، با توجه به تطبیقی که امام (علیه السلام) برای قاعده عام خود، یعنی نقصان عقول زنان بیان فرموده است، همچنین با توجه به اینکه ادله عام و مطلق باید به گونه‌ای تفسیر و معنا شوند که دست‌کم مورد خود را شامل باشند (ر. ک: اشتهازی، ۱۴۱۷، ج ۱۳، ص ۹۵). مراد از عقل در بیان ایشان عقل هیجانی است، نه عقل شناختی که محل بحث است. آنچه در برخی از روایات درباره پشیمانی از مشورت با زنان (رحمت کاشانی، ۱۳۸۸، ص ۲۵۳) آمده، نیز می‌تواند مؤید این معنا باشد؛ زیرا مستشار کسی است که از عقل هیجانی برخوردار باشد و در مقام راهنمایی احساسات، عواطف و هیجانات را مدیریت کند و آنگاه که روایت مذکور به استناد نقصان عقل زنان، نهی از مشورت با آنان می‌کند، دریافت می‌شود که مراد از «عقل»، همان عقل

۱. يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقْوَمُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (حجرات، ۱۳).

هیجانی است؛ سوم، با توجه به آیات قرآن کریم و نیز واقعیات مشهود بر نبود هدایت اکثریت جامعه، آنچه در برخی از روایات به اکثر مصادیق زنان اوصافی شبیه «سربازان شیطان» (همان، ص ۲۵۴) داده شده است، ارتباطی با ماهیت آنها ندارد بلکه ناظر به ضلالت و رشدنا یافتگی مصادیق این جنس است؛ چهارم، از دیگر نشانه‌های متمایز نبودن دو جنس در نحوه رشد، آن است که تمام مراحل که برای رشد متعالی بیان شده، در یک زن تجلی یافته است (ر. ک: جباری، ۱۳۹۲، ص ۱۷-۲۲)؛ همچنین اسلام، تثبیت حق بیعت، مالکیت و حضور زن در اجتماع را که نمودهایی از رشدیافتگی مرحله سوم رشد متعالی می‌باشد، رسمیت بخشیده است (ر. ک: خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۴۲).

اصل «ارتباط سرعت و مدت رشد با پیچیدگی موجود زنده» نیز بر رشد متعالی حاکم نیست، زیرا این اصل مبتنی بر نگاه انسان‌شناختی غیراسلامی مبنی بر تولد انسان از مسیر تکاملی به واسطه برخی حیوانات دیگر است، درحالی‌که اساساً قرآن کریم با چنین نگاهی به خلقت انسان مخالف است و حتی اگر موافق هم باشد (ر. ک: مطهری، ج ۴، ص ۲۲۳-۲۳۰)، هدف روان‌شناسی با نگاه قرآنی چنین مسائلی نیست (ر. ک: شجاعی، ۱۳۹۴، ص ۳۹).

## ۲. نسبت رشد متعالی با سایر ابعاد تحولی

بررسی جایگاه هر بعد تحولی انسان در رشد متعالی، ویژگی‌های اختصاصی هر بعد و تأثیرات طرفینی رشد متعالی با این جنبه‌ها به خوبی می‌تواند نسبت رشد متعالی با سایر ابعاد تحولی انسان را مشخص کند.

### ۲-۱. جایگاه هر بعد تحولی در رشد متعالی

«رشد متعالی» در هر چهار مرحله خود اجزائی دارد و برای شکل‌گیری هر یک از این مراحل نیازمند پیش‌نیازهایی است که اصطلاحاً به آنها مقتضی می‌گویند. سایر ابعاد تحولی انسان نسبت به رشد متعالی یکی از این دو جایگاه را دارند؛ یا مقتضی بوده، و یا جزئی برای شکل‌دهی آن هستند. برای نمونه در فرایند رشد متعالی، بخش‌هایی از رشد شناختی نقش مقتضی و بخش‌هایی از آن نقش جزء را برعهده دارند؛ زیرا رشد شناختی در برگرنده قسمت‌های گوناگونی شامل ادراکات حسی، زبان، یادگیری، فهم، حافظه، استدلال، عملیات ذهنی، طبقه‌بندی ذهنی و... است (ر. ک: کریستس و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۳۸۳-۴۳۵). هر یک از این بخش‌ها که پیش‌نیاز تحقق مرحله نخست رشد متعالی هستند؛ یعنی دستیابی به شناخت درست داشته باشند، مانند ادراکات

حسی و حافظه به منزله مقتضی بوده، و هرکدام با مؤلفه‌های مرحله مذکور برابری داشته باشند، مانند استدلال که قالب تفکر و تعقل است، جزئی از رشد متعالی هستند.

## ۲-۲. تأثیرات طرفینی رشد متعالی بر سایر جنبه‌های تحولی

با توجه به نکته پیشین مبنی بر اقتضا یا جزئیت سایر جنبه‌های تحولی برای رشد متعالی، تأثیرپذیری رشد متعالی از سایر جنبه‌های تحولی انسان امری روشن است. تأثیرگذاری رشد متعالی بر سایر جنبه‌های تحولی نیز انکارناپذیر می‌باشد؛ برای نمونه قرآن کریم آرامش در بحران‌ها را که خود نمود رشد هیجانی است، از آثار رشد متعالی می‌داند (یونس، ۶۲)، پس می‌توان این‌گونه برداشت کرد که هرچه رشد متعالی بیشتری تحقق یابد، رشد هیجانی بهتری محقق خواهد شد و یا در منابع دینی آمده است، اگر کسی به دانسته‌ها و شناخت‌های خود عمل کند، خداوند شناخت‌های بیشتری را به او نصیب می‌کند؛ «مَنْ عَمِلَ بِمَا يَعْلَمُ وَرَتَّهُ اللَّهُ عِلْمَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (حلوانی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۰۲) که با توجه به ابای سنت‌های الهی از انجام امری بدون اسباب آن (ر.ک: فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۸۶)، نشان از تأثیرپذیری رشد شناختی از رشد متعالی دارد.

## ویژگی‌های اختصاصی هر بعد تحولی

اگرچه همه جنبه‌های تحولی نسبت وثیقی با یکدیگر دارند و بنابر آنچه که بیان شد؛ تأثیرات قابل توجهی بر یکدیگر می‌گذارند، ولی این امر مانع از حفظ مشخصه‌های فردی و تفاوت‌های آنها با یکدیگر نمی‌شود و هر یک از جنبه‌های تحولی ویژگی‌هایی مختص به خود دارند که آنها را از یکدیگر متمایز می‌سازد.

## نسبت عوامل رشد متعالی با عوامل سایر ابعاد تحولی

عموم روان‌شناسان بر دو عامل اساسی «وراثت» و «محیط» در رشد انسان تأکید دارند. مطالعه آثار نسبی وراثت و محیط بر رفتار را «وراثت‌شناسی رفتار»<sup>۱</sup> می‌گویند؛ همچنین توارث‌پذیری به معنای میزان انتساب ویژگی‌های فردی به وراثت است (ر. ک: ویتینگ، ۱۳۸۶، ص ۴۶). در این میان برخی از روان‌شناسان، به‌ویژه انسان‌گراها بر اختیار و اراده آزاد آدمی تأکید زیادی دارند. بررسی علمی و پژوهش‌های فلسفی نیز بر این تأثیر تأکید می‌کنند. اختیار و اراده در بسیاری از جنبه‌های رشد، به‌ویژه ابعاد اجتماعی و اخلاقی تأثیر بسزا دارند (سالاری فر، ۱۳۸۹، ص ۴۱). اراده در توجه

1. behavioral genetics

انسان و ادراک محرک‌های محیطی نقشی بی‌بدیل دارد. اراده در تعارض انگیزه‌ها نیز اثرگذار است که افراد می‌توانند با اراده و تصمیم، رفتار خود را جهت دهند و انگیزه‌ها و عواطف خود را مهار و هدایت کنند. شناخت‌ها هم متأثر از اراده و گزینش افراد است (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۹۷).

همان‌گونه که بیان شد؛ در نظریه‌های مختلف روان‌شناسی معاصر، وراثت و محیط و تعامل آنها، عوامل اصلی رشد و شکل‌گیری شخصیت فرد به شمار می‌روند؛ در نتیجه نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی و مداخلات روان‌شناختی و تربیتی نیز براساس این برداشت از رشد و شکل‌گیری شخصیت توسعه یافته‌اند، اما در حقیقت نمی‌توان رشد انسان را محصور به این عوامل دانست؛ زیرا مفاهیمی همچون بهداشت روانی، اصلاح رفتار و غالب روان‌درمانگری‌ها نیز که مفاهیمی به اصطلاح روان‌شناسی قلمداد می‌شوند، براساس چیزی غیر از محیط و وراثت صورت می‌پذیرند (سایپینگتون، ۱۳۷۹، ص ۶۳-۶۷)؛ چه رسد به مفاهیم طرح شده از سوی قرآن کریم و منابع دینی، چون براساس استنباط و بررسی مفاهیم قرآن و آموزه‌های دینی، رشد شخصیت انسان محدود به وراثت و محیط نیست و عوامل دیگری همانند مشیت، قضا و قدر، دعا و به ویژه اراده در شکل‌گیری شخصیت افراد نقش دارد (ر. ک: اصغری نکاح و ذاکری فر، ۱۳۹۹).

### نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش در پاسخ به سؤال اصلی «مفهوم رشد متعالی و نسبت آن با سایر جنبه تحولی چیست؟» نشان می‌دهد منابع دینی در عرض سایر جنبه‌های تحولی انسان، مفهومی را با عنوان «رشد متعالی» طرح می‌کنند که بهترین تعریف آن را می‌توان چنین دانست: «فرایندی پایدار، بسیط، تحولی و دوسویه، کیفی و بی‌نهایت ارادی و هدفمند که مطابق آن بعد روحانی انسان در جهت کمال یا نقص در حرکت است». این بعد تحولی مانند تمامی انواع رشد که در روان‌شناسی معاصر مطرح شده‌اند، دارای مراحل شامل آغاز شناخت درست، شخصیت‌سازی صحیح برای خود، هویت‌سازی فردی و قرار گرفتن در مدار نظام جمعی است؛ همچنین به دست آمد، گرچه هر یک از جنبه‌های تحولی ویژگی‌های مختص به خود دارند که آنها را از یکدیگر متمایز می‌سازد، ولی نسبت وثیقی با یکدیگر داشته، و تأثیرات قابل توجهی بر یکدیگر می‌گذارند؛ این تأثیرات در بخش‌های مختلفی از جمله اصول رشد، جایگاه هر بعد تحولی در تحقق رشد متعالی، نسبت عوامل رشد متعالی و مابقی ابعاد رشد و... قابل ترسیم است.



## منابع

- \* قرآن کریم.  
\* نهج البلاغه.
۱. ابن ابی زکینب، محمد بن ابراهیم (۱۴۱۸ق). الغیبة. ترجمه جواد غفاری. تهران: صدوق.
  ۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۶ق). ثواب الاعمال و عقاب الاعمال. قم: دارالشریف الرضی للنشر.
  ۳. ابن منظور، جمال الدین (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دارصادر.
  ۴. ابوالقاسمی، شهناز (۱۳۸۷). روان‌شناسی رشد. تنکابن: دانشگاه آزاد.
  ۵. اتکینسون و همکاران (۱۳۷۵). زمینه روان‌شناسی. تهران: رشد.
  ۶. ارونسون، الویت (۱۳۹۸). روان‌شناسی اجتماعی. ترجمه حسین شکرکن. تهران: رشد.
  ۷. اسعدی، علیرضا (۱۳۹۲). «بررسی فرایند استکمال نفس از دیدگاه ملاصدرا». معرفت فلسفی. س ۱۰. ش ۳. ص ۹۱-۱۱۳.
  ۸. اشتهاودی، علی‌پناه (۱۴۱۷ق). مدارک العروة. تهران: دارالأسوة للطباعة و النشر.
  ۹. اصغری نکاح، سید علی اصغر و هما ذاکری‌فر (۱۳۹۹). «آیا وراثت و محیط کافی است؟ تأملی بر عوامل مؤثر بر رشد و شکل‌گیری شخصیت از منظر قرآن و روایات». مجله همایش قرآن و روان‌شناسی. س ۱. ش ۱.
  ۱۰. اصفهانی امین، نصرت (۱۳۶۱). مخزن العرفان در تفسیر قرآن. تهران: نهضت زنان مسلمان.
  ۱۱. امامی، محمد جعفر (۱۳۸۷). لغات در تفسیر نمونه. قم: انتشارات علی بن ابیطالب.
  ۱۲. آذربایجانی، مسعود و همکاران (۱۳۸۲). روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی. قم و تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت.
  ۱۳. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (۱۳۷۴). البرهان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه بعثه.
  ۱۴. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱). المحاسن. قم: دار الکتب الإسلامية.
  ۱۵. پورافکاری، نصرت‌الله (۱۳۸۷). فرهنگ روان‌شناسی و روان‌پزشکی. تهران: فرهنگ معاصر.
  ۱۶. جباری، محمدرضا (۱۳۹۲). سیره اخلاقی و سبک زندگی حضرت زهرا. قم: معارف.
  ۱۷. جمعی از مؤلفان (۱۳۷۰). رشد. تهران: سمت.
  ۱۸. جواد آملی. عبدالله (۱۳۸۶). زن در آینه جمال و جلال الهی. قم: اسراء.

۱۹. جواد آملی، عبدالله (۱۳۸۸). جامعه در قرآن. قم: اسراء.
۲۰. حر آملی، محمد حسین (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البیت.
۲۱. حرانی، ابن شعبه حسن بن علی (۱۴۰۴ق). تحف العقول. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۲. حسینی رامندی، سید علی اکبر (۱۴۰۰). «تحلیل روان‌شناختی رشد قرآنی و نشانه‌های آن». مجله مطالعات اسلام و روان‌شناسی. س ۱۵. ش ۲۹. ص ۶۱-۸۳.
۲۳. حلوانی، حسین بن محمد (۱۴۰۸ق). نزهه الناظر و تنبیه الخاطر. قم: مدرسه امام المهدی علیه السلام.
۲۴. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲). زن و بازیابی هویت حقیقی. تهران: انقلاب اسلامی.
۲۵. خراعی، زهرا و نسرین رامادان (۱۳۹۲). «رشد اخلاق. اصول و ارزش‌های آن از نظر افلاطون». پژوهش‌های فلسفی - کلامی. س ۱۴. ش ۳ و ۴. ص ۹۹-۱۱۸.
۲۶. خمینی، سید روح‌الله (۱۴۲۱ق). کتاب البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۷. خوبی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ق). التنقیح فی شرح العروة الوثقی. قم: دارالهادی.
۲۸. دوان شولتز و سیدنی الن شولتز (۱۳۹۰). نظریه‌های شخصیت. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: ویرایش.
۲۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دار القلم - الدار الشامیه.
۳۰. رحمت کاشانی، حامد (۱۳۸۸). نهج الفصاحه. تهران: شرکت تعاونی کار آفرینان فرهنگ و هنر.
۳۱. سایپینگتون، آندارا (۱۳۷۹). بهداشت روانی. ترجمه حمیدرضا حسین شاهی. تهران: روان.
۳۲. سالاری فر، محمدرضا (۱۳۸۹). آشنایی با روان‌شناسی. قم: هاجر.
۳۳. شجاعی، محمدصادق (۱۳۹۴). روان‌شناسی اسلامی. قم: مرکز بین‌المللی نشر و ترجمه المصطفی.
۳۴. شفیع آبادی، عبدالله و غلامرضا ناصری نظریه (۱۳۶۵). نظریه‌های مشاوره و درمانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۳۵. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۷۴). اصنام الجاهلیه. محقق محسن بیدارفر. تهران: الزهراء علیها السلام.
۳۶. صفایی حائری، علی (۱۳۹۵). مسئولیت و سازندگی. قم: لیله القدر.

۳۷. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: اسماعیلیان.
۳۸. عبدالباقی، فواد (۱۳۶۸). المعجم المفهرس. تهران: اسماعیلیان.
۳۹. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶ق). الوافی. اصفهان: کتابخانه امام  
أمیرالمؤمنین علی علیه السلام.
۴۰. قاضی، قاسم (۱۳۹۵). نظریه رشد متعالی در مشاوره و روان درمانی. تهران: دانشگاه تهران.
۴۱. کاویانی، محمد و همکاران (۱۳۸۹). «روش شناسی ساخت یک مقیاس اسلامی (معیار  
مرجع) ویژگی‌ها و محدودیت‌ها». مطالعات اسلام و روان‌شناسی. س ۴. ش ۶. ص ۷-۳۰.
۴۲. کاویانی، محمد (۱۳۹۹). روان‌شناسی در قرآن. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴۳. کرمی، حسین (۱۳۸۲). «تعریف و تشخیص انسان از نگاه ملاصدرا و کارل یاسپرس». مقالات و بررسی‌ها. ش ۷۴. ص ۸۹-۱۰۹.
۴۴. کریستنس، یان و همکاران (۱۳۸۵). روان‌شناسی عمومی. ترجمه ابوالقاسم بشیری و  
همکاران. قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
۴۵. کریمی، یوسف (۱۳۸۸). روان‌شناسی اجتماعی. تهران: ارسباران.
۴۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). اصول کافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۶). أصول الکافی. ترجمه سیدجواد مصطفوی. تهران:  
کتابفروشی علمیه اسلامیه.
۴۸. کوشا، غلام حیدر (۱۳۹۵). «هستی‌شناسی اجتماعی در حکمت صدرایی». فصلنامه  
تحقیقات بنیادین علوم اسلامی. س ۲. ش ۵.
۴۹. لورابریک (۱۳۹۰). روان‌شناسی رشد. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: ارسباران.
۵۰. مازلو، آبراهام (۱۳۷۱). به سوی روان‌شناسی بودن. ترجمه احمد رضوانی. مشهد: آستان  
قدس رضوی.
۵۱. مایلی، آر (۱۳۶۹). شخصیت. ترجمه محمود منصور. تهران: دانشگاه تهران.
۵۲. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۶). بحارالانوار. ج ۳. تهران: اسلامیه.
۵۳. محسنی، شیخ محمد آصف (۱۳۸۱). مشرعه بحارالانوار. قم: مکتبه العزیزی.
۵۴. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۴). جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن. تهران: سازمان تبلیغات  
اسلام.
۵۵. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰). آموزش عقاید. تهران: بین الملل.

۵۶. مصباح، علی و همکاران (۱۳۷۲). روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی. قم و تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت.
۵۷. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی: جامعه و تاریخ. تهران: صدرا.
۵۸. مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). مجموعه آثار شهید مطهری. تهران: صدرا.
۵۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳). تفسیر نمونه. قم: دارالکتب الاسلامیه.
۶۰. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۹۰). شرح چهل حدیث. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله علیه.
۶۱. نصری، عبدالله (۱۳۹۴). صدر اندیشه. تهران: دفتر نشر اسلامی.
۶۲. نیک‌نام، مژگان (۱۳۹۸). هویت مبانی. نظریات. انواع. چشم‌اندازها. تهران: ترکیه. واعظی. احمد (۱۳۸۶). حکومت اسلامی. قم: مرکز تدوین متون درسی حوزه.
۶۳. وجدانی، فاطمه و محسن ایمانی (۱۳۹۱). «تحلیل مفهوم رشد با تکیه بر آیات قرآن کریم». پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی. دوره ۲۰. ش ۱۶. ص ۱۱-۳۵.
۶۴. ویتیک، آرنو (۱۳۸۶). مقدمه روان‌شناسی. ترجمه مهدی محی‌الدین بناب. تهران: رشد.
۶۵. هوشیاری، جعفر و محمد مهدی صفورایی پاریزی (۱۳۹۹). «کار بست روش میدان معنایی در معناشناسی واژگان روانشناختی قرآن». دومین کنفرانس ملی علوم انسانی و توسعه.
۶۶. یونگ آنتونی مورونو (۱۳۸۰). خدایان انسان مدرن. ترجمه داریوش مهرجویی. تهران: مرکز نشر.